

حضرت علی(ع) و غدیر از منظر ولایت

غدیر یک مسأله‌ی اسلامی است؛ یک مسأله‌ی فقط شیعی نیست. در تاریخ اسلام، پیامبر اکرم یک روز سخنی بر زبان رانده و عملی انجام داده است که این سخن و این عمل، از ابعاد گوناگون دارای درس و معناست.



غدیر یک مسأله‌ی اسلامی است؛ یک مسأله‌ی فقط شیعی نیست. در تاریخ اسلام، پیامبر اکرم یک روز سخنی بر زبان رانده و عملی انجام داده است که این سخن و این عمل، از ابعاد گوناگون دارای درس و معناست.

شخصیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در اوج

شخصیت امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) ترکیبی از عناصری است که هر کدام به تنهایی یک انسان عالی مقام را اگر بخواهد به اوج آن برسد، به زانو در می آورد. زهد امیرالمؤمنین (علیه السلام) و بی اعتنائی او نسبت به شهوات زندگی - و زخارف دنیایی یکی از این عناصر است. علم آن بزرگوار و دانش وسیع او که بسیاری از بزرگان مسلمین و همه ی شیعه بر آن اتفاق دارند که بعد از نبی اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) کس دیگری غیر از امیرالمؤمنین (علیه السلام) از آن برخوردار نبوده است، یکی دیگر از این عناصر است. فداکاری آن بزرگوار در میدانهای مختلف- چه میدانهای نظامی، و چه میدانهای اخلاقی و سیاسی- یکی از این عناصر است. عبادت آن بزرگوار، یکی دیگر از این عناصر است، عدل و دادگری امیرالمؤمنین (علیه السلام) که پرچم برافراشته ی شاخصی برای عدل اسلامی است، یکی دیگر از این عناصر است. رأفت آن بزرگوار نسبت به ضعیفان اعم از فقرا، کودکان، غلامان و کنیزان، زنان و از کار افتادگان یک وادی عظیم و یکی دیگر از ابعاد شخصیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. پیش قدمی آن بزرگوار در همه ی کارهای خیر که انسان در تاریخ زندگی آن حضرت بر خورد می کند، یکی دیگر از این عناصر است. حکمت و فصاحت آن بزرگوار نیز بخشی از این عناصر است. شمارش رؤوس این مطالب هم به آسانی ممکن نیست، و در همه ی اینها در حد اعلاست. (1)

الگوی نظامی اسلامی

معنویت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و دین و اخلاق و فضیلت او از یک طرف، آن بینش عمیق و شجاعت و فداکاری و عواطف رفیق انسانی در کنار صلابت و استحکام معنوی و روحی از طرف دیگر؛ همه ی اینها ناشی از عصمت است؛ چون خداوند متعال او را به مقام عصمت برگزیده است و گناه و اشتباه در کار او وجود ندارد؛ اگر چنین کسی در رأس جامعه باشد، اوج مطلوب همه ی رسالت هاست؛ این معنای غدیر است. در غدیر چنین کاری اتفاق افتاد... شما می بینید که مدت کوتاه کمتر از پنج سال حکومت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به عنوان نمونه و الگو و چیزی که بشریت آن را هرگز فراموش نخواهد کرد در طول قرن ها همچنان می درخشد و باقی مانده است؛ این نتیجه ی درس و معنا و تفسیر واقعه ی غدیر است.

... بزرگترین خطر برای نظام و حکومتی مثل نظام و حکومت ما که با نام اسلام به وجود آمده، این است که ما فراموش کنیم الگوی حکومت ما، امیرالمؤمنین (علیه السلام) است؛ به الگوی رایج دنیا و تاریخ نگاه کنیم و خود را با آنها مقایسه کنیم؛ به روش حکومت های منحرفی که در طول تاریخ، روز به روز به بشریت ضربه زده اند نگاه کنیم؛ اگر یک جنبه گی انسان را رونقی بخشیدند، جنبه ی دیگری را دچار ضایعات جبران ناشدنی کردند. همت جمهوری اسلامی باید این باشد که خود را به آن الگویی که در غدیر معرفی شد و در دوران پنج ساله ی حکومت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نمونه ی آنها نشان داده شده، نزدیک کند... امروز در جمهوری اسلامی اگر بخواهیم سعادت این کشور تأمین شود و مردم عزیز ایران با توانایی هایی که خدای متعال در جوهر این کشور و این ملت قرار داده، به تمنیات و آرزوهای مشروع خود برسند، باید همان خط را دنبال کنیم و دین و دنیای خود را از روی آن حکومت، الگو بگیریم. (2)

جامعه ی علوی

آن روز که در این کشور، ولایت، ولایت آمریکا و صهیونیست ها و اعداء الله بود و نظام اجتماعی، تحت تأثیر افکار و فرهنگ و رفتار و خواست و اراده و عاطفه ی دشمنان خدا قرار داشت، ما چه طور حق داشتیم بگوییم:

«الحمد لله ذی جعلنا من المتمسکین یة امیرالمؤمنین»؟

بله، بخش بزرگی از مردم در دلهای خود، محبت متمسک بودند و به ولایت اعتقاد داشتند؛ اما ولایت بیش از این است. امروز

ملت ما می تواند خدا را بر تمسک به ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) حمد کند. راه انقلاب ما، راه ولایت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)، راه حکومت علوی راه اسلام بوده است. حضرت علی (سلام الله علیه) برترین و بزرگترین پیشاهنگ و منادی و سردار و مجاهد راه اسلام است. او برای اسلام زندگی کرد، برای اسلام شهید شد و نور پرتو مشعل وجود او امروز، راه اسلام پرتو افشانی کرده است. ما می خواهیم دنیا و گی و نظام ما به گونه ای بشود که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در راه آن مبارزه، زندگی، جهاد و حکومت کرد. ما می خواهیم در نظام ما، عدل اسلامی کامل حکم ما بشود. هر کسی که در این نظام زندگی می کند، باید مجاهدت نماید، تا اگر در رأس جامعه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) قرار می داشت، جامعه و نظام یق ایشان می بود. ما باید این طور حرکت کنیم. باید کاری کنیم که نظام و کشور و جامعه ی ما، یک جامعه ی علوی بشود. اسم اسلام و اسم ولایت، کافی نیست. به خصوص کسانی که مسوولیتی بر دوش دارند و مأموریتی از نظام الهی و اسلامی برعهده ی آنهاست چه در دستگاه قضایی، چه در دستگاه اجرایی، چه در دستگاه قانون گذاری، چه در دستگاه انتظامی، و چه در نهادها و دستگاه های مختلف زبان و بازو و راه و و سبک کار امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) باشد. (3)

غدیر و جامعیت اسلام

مسئله ی «غدیر» یک مساله ی تاریخی صرف نیست؛ نشانه ای از جامعیت اسلام است. اگر نبی مکرم که در طول ده سال، یک جامعه ی بدوی آلوده به تعصبات و خرافات را با آن مجاهدت های عظیمی که آن بزرگوار انجام دادند و به کمک اصحاب با وفایش به یک جامعه ی مترقی اسلامی تبدیل کردند برای بعد از این ده سال، فکری نکرده بودند و نقشه ای در اختیار امت نگذاشته بودند، این کار ناتمام بود. این که در آیه ی مبارکه ی سوره ی مائده می فرماید: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی» تصریح به همین معناست که این نعمت اسلام، نعمت هدایت نعمت نشان دادن صراط مستقیم به جامعه بشریت آن وقتی تمام می شد که نقشه ی راه برای بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) هم معین باشد؛ این یک امر طبیعی است. این کار را پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) در غدیر انجام دادند، امیرالمؤمنین (علیه السلام) را که از لحاظ شخصیت ایمانی، چه شخصیت اخلاقی، چه انقلابی و نظامی، چه شخصیت رفتاری با افشار مختلف افراد- یک فرد ممتاز و منحصر به فردی بودند، منصوب کردند و مردم را به تبعیت از او موظف کردند. (4)

غدیر، نیازی برای تمام ادوار

یک مطلب راجع به غدیر عرض کنیم. مسأله ی غدیر، صرفاً یک مسأله ای که ما جمع شیعه به آن اعتقاد داریم و یک عده از مسلمان ها هم به آن اعتقاد ندارند، این نیست. در نگاه تاریخی به اسلام و در تحلیل تاریخی حوادث صدر اسلام، موضوع غدیر - یعنی نصب جانشین - یک ضرورتی بود که اگر آن چنان که تدبیر شده بود - تدبیر رحمانی و الهی، و تدبیر نبوی - عمل می شد، بدون تردید مسیر تاریخ بشر عوض می شد و امروز ما در جایگاه بسیار جلوتری از تاریخ طولانی بشریت قرار داشتیم. این که یک مکتب و نظام فراگیر نیازهای زندگی بشر، به وسیله ی پیامبر خاتم در جامعه فرصت پیاده شدن پیدا کند، که این خود یک معجزه ی بزرگ بود، که پیغمبر توانست این نظام فکری و عملی را واقعیت ببخشد و بر روی زمین واقعیت، آن را بنا کند؛ آن هم در دشوارترین جاها. خود این که در دشوارترین جاها توانسته این بنا پیاده شود و قرار بگیرد، نشان دهنده ی این بود که در همه ی نقاط زندگی بشر و جغرافیای انسانی آن روز دنیا و بعد از آن، این بنا قابل تحقق است. این شکل علمی را در مقام عمل، در دشوارترین صورت، پیغمبر توانست تحقق ببخشد. اگر این حادثه اتفاق می افتاد که حفظ و گسترش کمی و گسترش کیفی در این موجود خلق شده ی الهی - یعنی جامعه ی اسلامی نبوی - می توانست به قدر ده، دوازده نسل، پی پی حراست و حفاظت بشود، آن وقت مسلم بود که این حرکت در طول تاریخ بشر، شکست ناپذیر می ماند. معنایش این نبود که بشر، دوران انتظاری نخواهد داشت و خود در طول این دوازده نسل، به نهایت مطلوب خود خواهد رسید. اگر آن طوری که پیغمبر معین کرده بود، امیرالمؤمنین، بعد امام حسن، بعد امام حسین، بعد ائمه ی دیگر، یکی پس از دیگری می آمدند، باز به گمان بیشتر، بشر نیاز به یک دوران انتظار داشت تا بتواند آن جامعه ی آرمانی را تحقق ببخشد. اما در آن صورت اگر این قب معصومین، این دست های امین و کارآمد، می توانستند این حادثه ی ایجاد شده ی در واقعیت را حفظ کنند، آن وقت مسیر بشر، مسیر دیگری می شد.

امروز بشر عینا همان نیازهایی را دارد که پنج هزار سال پیش، این نیازها را داشت؛ نیازهای اصولی بشر، هیچ تفاوتی نکرده است. آن روز هم بشر از نفوذ قدرت های ستمگر رنج می برد؛ امروز هم شما - شماها چشمتان باز است - اگر دنیا را از نفوذ قدرت های ستمگر و ویرانگر نگاه کنید، خواهید دید که بشر دارد رنج می برد. آن روز هم نیاز بزرگ بشر عدالت بود و برترین رنج او بی عدالتی؛ امروز هم شما نگاه کنید، در دنیا بزرگترین مشکل بشر، بی عدالتی است. خطاست اگر خیال کنیم که این آزادی فردی - که لیبرال دمکراسی غرب به بشر هدیه داده - این نیاز بشر بوده که قبلاً نبوده؛ چرا؛ به این شکل هایی که امروز آزادی های فردی هست، در بسیاری از دوره های تاریخ و در بسیاری از مناطق تاریخ وجود داشته است. همین محدودیت هایی که امروز به شکل پنهان اراده ی انسان ها را به زنجیر می کشند، اینها یک روز به صورت آشکار بوده است. این تور احاطه کننده ی بر اراده، حرکت و حیات انسان، امروز ریزتر بافته شده، از وط و نخ های باریکتری استفاده شده و با مهارت بیشتری به آب انداخته می شود. آن روز این مهارت ها نبود؛ اما آشکارتر و قلدرمآبانه تر بود. پس نیازهای بشر تفاوتی نکرده است. اگر آن دست به دست

شدن امانت نبوی و گسترش کمی و کیفی متناسب و درست، انجام می‌گرفت، امروز بشر این نیازها را گذرانده بود (نیازهای فراوان دیگری ممکن بود برای بشر پیش بیاید که امروز ما آن نیازها را حتی نمی‌شناسیم) آن نیازها ممکن بود باشد؛ اما دیگر این قدر ابتدایی نبود. امروز ما و جامعه بشری، همچنان در دوران نیازهای ابتدایی بشری قرار داریم. در دنیا گرسنگی هست، تبعیض هست - کم هم نیست؛ بلکه گسترده است، به یک جا هم تعلق ندارد؛ بلکه همه جا هست - زورگویی هست، ولایت نابحق انسان‌ها بر انسان‌ها هست؛ همان چیزهایی که چهار هزار سال پیش، دو هزار سال پیش به شکل‌های دیگری وجود داشته است. امروز هم بشر گرفتار همین چیزهاست و فقط رنگ‌ها عوض شده است. «غدیر» شروع آن روندی بود که می‌توانست بشر را از این مرحله خارج کند و به یک مرحله دیگری وارد کند. آن وقت نیازهای لطیف‌تر و برتری، و خواهش‌ها و عشق‌های به مراتب بالاتری، چالش اصلی بشر را تشکیل می‌داد. راه پیشرفت بشر که بسته نیست! ممکن است هزارها سال یا میلیون‌ها سال دیگر بشریت عمر کند؛ هر چه عمر کند، پیوسته پیشرفت خواهد داشت. منتها امروز پایه‌های اصلی خراب است؛ این پایه‌ها را پیغمبر اسلام بنیانگذاری کرد و برای حفاظت از آن، مسأله‌ی وصایت و نیابت را قرار داد؛ اما تخلف شد. اگر تخلف نمی‌شد، چیز دیگری پیش می‌آمد. «غدیر» این است. در طول دوران دویست‌ساله زندگی ائمه (علیهم‌السلام) - که عمر دوران ظهور ائمه از بعد از رحلت پیغمبر تا زمان وفات حضرت عسکری، دویست‌سال است - هر وقت ائمه توانسته‌اند و خودشان را آماده کرده‌اند تا این‌که به همان مسیری که پیغمبر پیش‌بینی کرده بود، برگردند؛ اما خوب، نشده است دیگر. حالا ماها در این برهه‌ی از زمان، به میدان آمده‌ایم و همتی هست به فضل و توفیق الهی و آن‌له که به بهترین وجهی ادامه پیدا کند. (5)

غدیر، صحنه معرفی تثبیت ارزشها

آنچه که در ماجرای غدیر از دیدگاه مطالعه کنندگانی از قبیل ما می‌شود فهمید، مضمون این نصب الهی در باب کیفیت اداره کشور و گزینش انسانهای صالح برای ای بزرگ است. البته کسانی که اهل بینش عالی عرفانی حق نه هستند و دلشان با منابع نور و معرفت متصل است، ای بسا حقایق دیگری را هم در این ماجرا می‌فهمند. آنچه ما در این ماجرا احساس می‌کنیم، این است که با نصب امیرالمؤمنین علیه‌الصلاة والسلام در روز غدیر، پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم به دستور پروردگار، این حقیقت را از اسلام آشکار کرد که مسؤولیت بزرگ اداره جامعه در نظام اسلامی، چیزی نیست که نسبت به معیارهای اسلامی، بشود درباره آن از موردی صرف نظر کرد. در این کار بزرگ، صددرصد باید معیارها و ارزشهای اسلامی در نظر گرفته شود.

بالتر از امیرالمؤمنین علیه‌السلام کیست؟ همه خصوصیات که از نظر اسلام، ارزش است و البته از نظر عقل سالم توأم با انصاف هم، همانها ارزش محسوب می‌شود، در امیرالمؤمنین علیه‌الصلاة والسلام جمع بود. ایمان او، اخلاص او، فداکاری و ایثار او، تقوای او، جهاد او، سبقت او به اسلام، بی‌اعتنایی او به هر چه غیر خدا و هر چه غیر از هدف خدایی، بی‌اعتنایی او به زخارف مادی، بی‌ارزش بودن دنیا ظر او، علم او، معرفت او و اوج انسانیت در او از همه ابعاد، خصوصیات است که در زندگی امیرالمؤمنین علیه‌الصلاة والسلام واضح است. ادعای این حرفها، مخصوص شیعه هم نیست. همه مسلمین و مورّخین و محدّثینی که درباره امیرالمؤمنین علیه‌الصلاة والسلام خواسته‌اند به انصاف حرف بزنند، همین خصوصیات و بیش از اینها را بیان کرده‌اند.

پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم، در آن روز در مقابل چشم کسانی که این خصوصیات را در امیرالمؤمنین علیه‌الصلاة والسلام می‌شناختند، او را به منصب ولایت نصب کرد. معنای این نصب، اهمیت دادن به آن معیارهاست. این همان نکته‌ای است که باید در نظام و جامعه اسلامی، تا قیام قائم مورد نظر همه باشد. اگر مسلمین در طول تاریخ نتوانسته‌اند از مواهب اسلامی به طور کامل بهره ببرند، به دلیل نقیصه بزرگ ناشی از شناختن معیارها بوده است.

عزیزند. آن کس که در دل خود ایمان دارد و در عمل خود، آنچه را لازمه ایمان است رعایت می‌کند، حقیقتاً عزیز است. بحمدالله، احساس عزّت هم در دل ملت ما هست و این از برکات رعایت همان ارزشهایی است که در غدیر تثبیت شد. (6)

غدیر، امکان ساز استمرار حرکت پیامبر خاتم (صلی‌الله علیه و آله و سلم)

عید غدیر، عید بسیار بزرگ و خاطره عظیم تاریخی است؛ لیکن در مضمون عید غدیر درسهایی وجود دارد که هرگاه ملت اسلام این درسها را به گوش جان بشنود، حقیقتاً از این روز بهره خواهد برد.

در واقعه غدیر، درسهای بزرگی وجود دارد: اولاً این واقعه جزو وقایع مسلم تاریخ اسلام است. این‌طور نیست که فقط شیعه حدیث غدیر را نقل کرده باشد. در بین علما و محدّثان اهل سنت، تعداد بسیاری این حدیث را نقل کرده‌اند و همان‌طور که شیعه این حادثه را بیان کرده است، آنها هم بیان کرده‌اند. فهم علما و دانشمندان - همانند فهم خود حضار آن حادثه - از این عمل پیغمبر، که دست امیرالمؤمنین را بلند کرد و فرمود: «من کنت مولا فهاذا علی مولا» این بود که پیغمبر، امیرالمؤمنین را برای جانشینی خود نصب کرد. نمی‌خواهیم وارد مسأله شیعه و سنی و اختلافات و درگیریهای اعتقادی شویم - دنیای اسلام تا

امروز هرچه از دعوی شیعه و سنی کشیده، بس است! - ولی معرفتی که در این کلام عمیق پیغمبر وجود دارد، باید درست فهمیده شود؛ پیغمبر امیرالمؤمنین را منصوب کرد.

پیغمبر برای این مبعوث شده بود که مردم را تعلیم دهد و تزکیه کند؛ «یعلمهم اب و مة و یزکیهم»؛ یا در جای دیگر «یزکیهم و یعلمهم اب و مة». باید انسانها، هم آموزش داده شوند و هم تزکیه شوند، تا این کره‌خاکی و این جامعه بزرگ بشری بتواند مثل یک خانواده سالم، راه کمال را طی کند و از خیرات این عالم بهره‌مند شود. هدف همه نبوتها و بعثتها این است. هرکدام از انبیا به نبوت مبعوث شدند، این اقدام بزرگ تعلیم و تربیت را تا آن حدی که امکانات زمان اجازه می‌داد، پیش بردند؛ اما دین خاتم و نبی خاتم باید این حرکت عظیم الهی را ابدیت بخشد؛ چون پیغمبر دیگری مبعوث نخواهد شد تا بشر به آن سر منزل نهایی خود در این عالم - که زندگی در کره خاکی و در خانواده بشری، باید همراه با صلح و صفا و عدالت و با بهره‌مندی از خیرات عالم باشد - نزدیک شود و بالأخره به آن برسد. چگونه می‌شود بشریت را به آن سرمنزل نهایی نزدیک کرد؟ آن وقتی که این تربیت مستمر باشد. باید تعلیم و تربیت مستمری وضع حکومت و قدرت سیاسی - آن هم قدرت سیاسی کسی مثل پیغمبر؛ یعنی معصوم - این جامعه بشری را بتدریج پیش ببرد و تربیت کند و ناهنجاریها را در میان آنها کاهش دهد تا بتواند به آن نقطه‌ای که شروع زندگی سعادت‌مندان همه انسانهاست - که ما آن دوره را، دوره حضرت ولی‌عصر اه می‌دانیم - برسد. دوره ولی‌عصر اه، دوره آغاز زندگی بشر است؛ دوره پایان زندگی بشر نیست. از آنجا حیات حقیقی انسان و سعادت حقیقی این خانواده عظیم بشری تازه شروع خواهد شد و استفاده از برکات این کره خاکی ها و انرژیهای نهفته در این فضا، برای انسان - بدون ضرر، بدون خسارت، بدون نابودی و ضایع کردن - ممکن خواهد شد. درست است که امروز بشر از چیزی استفاده می‌کند، اما به یک چیز دیگر ضرر می‌زند. امروز نیروی اتم را کشف می‌کند، اما نیروی اتم را برای نابودی انسان به کار می‌برد؛ نفت را از اعماق زمین استخراج می‌کند، اما این نفت اه تضييع و تخریب محیط زیست انسان به کار می‌رود؛ این که در این صد سال اخیر این‌گونه بوده است. بشر نیروهای محرکه و انرژیهای پنهان و قوه بخار و سایر نیروها را کشف می‌کند، اما انسانها را به انواع و اقسام گرفتاریهای جسمانی از ناحیه این مشکلاتی که زندگی مادی برای انسانها به وجود می‌آورد، آلوده می‌کند. به بشر سرعت و سهولت داده می‌شود؛ لی چیزها از او گرفته می‌شود. از آن طرف هم تخریب ارزشهای اخلاقی است که امروز انسان دچار آنهاست؛ لیکن در دوران ظهور حضرت ه اه قضیه این‌گونه نیست.

بشر از خیرات عالم، از انرژیهای پنهان و از نیروهای نهفته در طبیعت، استفاده بی‌ضرر و بی خسارت می‌کند؛ استفاده‌ای که مایه رشد و پیشرفت انسان است. همه پیغمبران آمده‌اند تا ما به آن نقطه‌ای برسانند که زندگی بشر تازه شروع می‌شود. پیغمبر خاتم اگر بخواهد انسانها را به مقتضای دین خاتم به این‌جا برساند، باید چه کار کند؟ باید این تربیتی که او ارزانی انسانها کرده است، مستمر و طولانی باشد و چندین نسل را پی‌پی شامل شود. خود پیغمبر اکرم که از دنیا خواهد رفت - «اتک میت و اثم ون» - پس باید کسی را نصب کند که بعد از خود او دقیقاً همان راه و همان جهت و همان شیوه‌ها را مورداستفاده قرار دهد، و او علی‌بن‌ابی‌طالب است. معنای نصب غدیر این است.

اگر آن روز امت اسلامی، نصب پیغمبر را درست و با معنای حقیقی خودش درک می‌کرد و تحویل می‌گرفت و دنبال علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام راه می‌افتاد و این تربیت نبوی دا می‌کرد و بعد از امیرالمؤمنین هم انسانهای معصوم و بدون خطا، نسلهای بشری را مثل خود پیغمبر، پی‌پی زیر تربیت الهی خویش قرار می‌دادند، بشریت بسیار زود به آن نقطه‌ای می‌رسید که هنوز به آن نقطه نرسیده است. علم و فکر بشری پیشرفت می‌کرد؛ درجات روحی انسانها بالا می‌رفت؛ صلح و صفا در بین انسانها برقرار می‌شد و ظلم و جور و ناامنی یض و بی‌عدالتی از بین مردم رخت برمی‌بست. این که فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها - که در آن زمان عارفین انسانها به مقام پیغمبر و امیرالمؤمنین بود - فرمود اگر دنبال علی راه می‌افتادید، شما را به چنین سرمنزلی هدایت می‌کرد و از چنین راهی می‌برد، به همین خاطر است. ولی بشر زیاد اشتباه می‌کند.

در تاریخ، اشتباهات بزرگ همیشه سرنوشت انسانها را با مشکلات بزرگ دچار کرده است. ماجرای سیر انسان در دوران نبوت نبی خاتم صلی‌الله‌علیه‌وسلم، ماجرای بسیار پرحادثه و داستان بسیار مهم و حامل فلسفه بسیار عمیقی است. در سال امیرالمؤمنین - که امسال و سالهای دیگر هم متعلق به ایشان است - شایسته است که این فلسفه مورد مذاقه قرار گیرد. امروز هم بشر باید همان حرکت و تلاش را انجام دهد. جوامع بشری هرچه با عدالت و معنویت همراه شوند و هرچه انسانها از رذایل اخلاقی، خودخواهیها، بداندیشیها، بددلیها، شهوترانیها و خودپرستیها دور شوند، آن آینده نزدیکتر خواهد شد. بشر در طول تاریخ در کجراهه‌هایی قرار گرفته و به راه افتاده که او را از سرمنزل نهایی خودش بسیار دور کرده است. (7)

رابطه ی مدیریت جامعه و غدیر

مسأله‌ی غدیر و تعیین امیرالمؤمنین (علیه‌ام) به عنوان ولی‌امر امت اسلامی از سوی پیامبر مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم) یک حادثه‌ی بسیار بزرگ و پرمعناست؛ در حقیقت دخالت نبی مکرم در امر مدیریت جامعه است. معنای این حرکت که در روز هجدهم ذی‌جه سال دهم هجرت اتفاق افتاد، این است که اسلام به مسأله‌ی مدیریت جامعه به چشم اهمیت نگاه می‌کند.

این‌طور نیست که امر مدیریت در نظام اسلامی و جامعه‌ی اسلامی، رها و بی‌اعتنا باشد. علت هم این است که مدیریت یک جامعه، جزو اثرگذارترین مسائل جامعه است. تعیین امیرالمؤمنین هم - که مظهر تقوا و علم و شجاعت و فداکاری و عدل در میان صحابه‌ی پیغمبر است - ابعاد این مدیریت را روشن می‌کند. معلوم می‌شود آنچه از نظر اسلام در باب مدیریت جامعه اهمیت دارد، اینهاست. کسانی که امیرالمؤمنین را به جانشینی بلافصل هم قبول ندارند، در علم و زهد و تقوا و شجاعت آن بزرگوار و در فداکاری او برای حق و عدل، تردید ندارند؛ این مورد اتفاق همه‌ی مسلمین و همه‌ی کسانی است که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را می‌شناسند. این نشان می‌دهد که جامعه‌ی اسلامی از نظر اسلام و پیغمبر، چه نوع مدیریت و زمامداری و حکومتی را باید به عنوان هدف مطلوب دنبال کند.

مشکل جوامع بشری هم در مهمترین مقاطع، در همین نقطه بوده است؛ یعنی جوامع بشری هرگاه از زمامداران باتدبیر و باتقوا و پرهیزگار و شجاع برخوردار بوده‌اند، توانسته‌اند قدمهایی جلو برونند. آن وقتی که جوامع دچار مدیرانی شدند که برای آنها پرهیزگاری و پاکدامنی معنا نداشت، ترجیح منافع مردم بر منافع خودشان مطرح نبود، ترس از خدا و محاسبه‌ی الهی برایشان مطرح نبود - انسانهای ضعیف، انسانهای دلبسته‌ی به منافع و شهوات شخصی - مشکلات برایشان به‌وجود آمد؛ چه مشکلات مادی و چه مشکلات اخلاقی و معنوی. این که می‌بینید ملل اسلامی و کشورهای اسلامی در برهه‌ی از تاریخ، مقهور قدرتهای ظالم و متجاوز شدند، علت همین بود. اگر آن روزی که استعمار و لشکرکشی‌ها و کشورگشایی‌های غربی در مناطق اسلامی شروع شد، زمامداران مسلمان از دین، از پاکدامنی، از غیرت و از شجاعت برخوردار بودند، قضیه این‌طور نمی‌شد. اگر پایبند به شهوات و پایبند به تسلط خودشان بر مقام و قدرت چند روزه نبودند، موضوع این‌طور نمی‌شد. ضعف مسلمانان و جوامع اسلامی، اغلب ناشی شده است از ضعف مدیران جوامع و زمامداران آنها؛ البته هر دو روی هم اثر می‌گذارند. مدیریتهای ناتوان و نااهل، نظام اخلاقی و سیاسی را در جامعه سست می‌کنند و انسانها را به ضعف می‌کشانند؛ آن وقت در چنین جامعه‌ی به‌طور طبیعی باز زمامداران از انسانهای نااهل‌تر و ضعیف‌تر رنج می‌برند و مبتلای به آنها می‌شوند.

امروز وقتی به دنیای اسلام نگاه می‌کنید، می‌بینید که بیداری مسلمانان در همه‌ی نقاط مسلمان‌نشین عالم و در کشورهای اسلامی به برکت بیداری ملت ایران است، و ملت ایران به برکت رهبری امام بزرگوار - که جان خود را به میدان آورد، سینه‌ی خود را در مقابل تیرهای دشمن سپرد و صادقانه حرف زد و صادقانه عمل کرد - پا در این میدان عظیم گذاشت. دنیایی که می‌خواهد ملل مسلمان را ذلیل ببیند، ملت ایران به برکت رهبری شجاعانه و مخلصانه‌ی که امام بزرگوار نشان داد، عزت خودشان را بر اینها تحمیل کردند. ولایت امام (رضوان‌الله‌علیه) پرتوی از چشمه‌ی فروزنده‌ی خورشیدی غدیر بود؛ لذا توانست این همه آثار را به‌وجود بیاورد، ملت را بیدار کند، ایران را بازسازی معنوی و مادی بکند. (8)

معنا و تفسیر واقعه‌ی غدیر

امامت، یعنی همان اوج معنای مطلوب اداری جامعه در مقابل انواع و اقسام مدیریتهای جامعه که از ضعفها و شهوات و نخوت و فزون‌طلبی انسانی سرچشمه می‌گیرد. اسلام شیوه و نسخه‌ی امامت را به بشریت ارائه می‌کند؛ یعنی این که یک انسان، هم دلش از فیض هدایت الهی سرشار و لبریز باشد، هم معارف دین را بشناسد و بفهمد - یعنی راه را درست تشخیص دهد - هم دارای قدرت عملکرد باشد - که «یا یحیی خذ ابّ» - هم جان و خواست و زندگی شخصی برایش حائز اهمیت نباشد؛ اما جان و زندگی و سعادت انسانها برای او همه چیز باشد؛ که امیرالمؤمنین در کمتر از پنج سال حکومت خود، این را در عمل نشان داد. شما می‌بینید که مدت کوتاهی کمتر از پنج سال حکومت امیرالمؤمنین، به عنوان یک نمونه و الگو و چیزی که بشریت آن را هرگز فراموش نخواهد کرد، در طول قرن‌ها همچنان می‌درخشد و باقی مانده است. این نتیجه‌ی درس و معنا و تفسیر واقعه‌ی غدیر است. (9)

نصب امیرالمؤمنین ، درسی از غدیر

در واقعه‌ی غدیر، درسهای بزرگی وجود دارد: اولاً این واقعه جزو وقایع مسلم تاریخ اسلام است. این‌طور نیست که فقط شیعه حدیث غدیر را نقل کرده باشد. در بین علما و محدثان اهل سنت، تعداد بسیاری این حدیث را نقل کرده‌اند و همان‌طور که شیعه این حادثه را بیان کرده است، آنها هم بیان کرده‌اند. فهم علما و دانشمندان - همانند فهم خود حضار آن حادثه - از این عمل پیغمبر، که دست امیرالمؤمنین را بلند کرد و فرمود: «من کنت مولاة فهذا علی مولاة» این بود که پیغمبر، امیرالمؤمنین را برای جانشینی خود نصب کرد. نمی‌خواهیم وارد مسأله‌ی شیعه و سنی و اختلافات و درگیریهای اعتقادی شویم - دنیای اسلام تا امروز هرچه از دعوی شیعه و سنی کشیده، بس است! - ولی معرفتی که در این کلام عمیق پیغمبر وجود دارد، باید درست فهمیده شود؛ پیغمبر امیرالمؤمنین را منصوب کرد.

.....اگر آن روز امت اسلامی، نصب پیغمبر را درست و با معنای حقیقی خودش درک می‌کرد و تحویل می‌گرفت و دنبال علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام راه می‌افتاد و این تربیت نبوی استمرار پیدا می‌کرد و بعد از امیرالمؤمنین هم انسانهای معصوم و

بدون خطا، نسل‌های بشری را مثل خود پیغمبر، پی‌پی زیر تربیت الهی خویش قرار می‌دادند، بشریت بسیار زود به آن نقطه‌ای می‌رسید که هنوز به آن نقطه نرسیده است. علم و فکر بشری پیشرفت می‌کرد؛ درجات روحی انسانها بالا می‌رفت؛ صلح و صفا در بین انسانها برقرار می‌شد و ظلم و جور و ناامنی و تبعیض و بی‌عدالتی از بین مردم رخت برمی‌بست. این‌که فاطمه‌ی زهرا سلام‌الله‌علیها - که در آن زمان عارفین انسانها به مقام پیغمبر و امیرالمؤمنین بود - فرمود اگر دنبال علی راه می‌افتادید، شما را به چنین سرمنزلی هدایت می‌کرد و از چنین راهی می‌برد، به همین خاطر است. ولی بشر زیاد اشتباه می‌کند. (10)

غدیر در آثار اسلامی ما به «هبر»، «یوم هد المعهود» و «یوم الميثاق المأخوذ» تعبیر شده است. این تعبیرات که نشان دهنده‌ی تأکید و اهتمامی خاص به این روز شریف است، خصوصیتش در مسأله‌ی ولایت است. آن عاملی که در اسلام ضامن اجرای احکام است، حکومت اسلامی و حاکمیت احکام قرآن است، والا اگر آحاد مردم، ایمان و عقیده و عمل شخصی داشته باشند، لیکن حاکمیت - چه در مرحله‌ی قانونگذاری و چه در مرحله‌ی اجرا - در دست دیگران باشد، تحقق اسلام در آن جامعه، به انصاف آن دیگران بستگی دارد. اگر آنها افراد بی‌انصافی بودند، مسلمانان همان وضعی را پیدا می‌کنند که شما امروز در کوزوو، دیروز در بوسنی و هرزگوین، دیروز و امروز در فلسطین و در جاهای دیگر شاهدش بوده‌اید و هستید - ما هم در ایران مسلمان یق و عمیق خودمان، سالهای متمادی همین را مشاهده می‌کردیم - اما چنانچه حکام، قدری با انصاف باشند، اجازه خواهند داد که این مسلمانان به قدر دایره‌ی خانه‌ی خودشان - یا حداکثر ارتباطات محله‌ای - چیزهایی از اسلام را رعایت کنند؛ ولی اسلام نخواهد بود!

«و ما ارسلنا من رسول الا ليطاع ذن الله»؛ مسأله‌ی حکومت، اساس قضایای همه‌ی پیغمبران بوده است. حال بعضی کسان دوست دارند که حرفهای موهوم و رد شده و غلط را در قالبهای علی‌الظاهر نو بیان کنند! آنها می‌گویند که اگر دین، حکومت پیدا کند، قداست خود را از دست می‌دهد! قداست یعنی چه؟ آیا قداست یعنی این‌که کسی یک چیز بی‌خاصیت، یک نام، یا یک حیثیت اعتباری و بی‌حقیقت را به خود ببندد؟ این قداست خواهد شد؟! قداست حقیقی این است که حقیقتی در میان مردم، بر زندگی و بر روابط مردم، بر امور دنیا و آخرت مردم، اثر خوب بگذارد و زندگی را اصلاح کند. این، دین است؛ اگر دینی توانست این کار را بکند، قداست متعلق به آن است.

حال به فرض، زید و وی که در موضع حکومت در این دین قرار گرفته‌اند، به وسیله‌ی عده‌ای مورد تهمت، اهانت و دشنام هم قرار بگیرند؛ مانعی ندارد. افراد، انسانها، من و هزاران هزار امثال من، فدای بقای دین؛ چه اهمیتی دارد؟! دین باید اجرا شود، دین باید تحقق پیدا کند و این در غدیر، رسماً و به‌عنوان یک حقیقت قانونی در اسلام، مشخص شد. البته از اول هجرت، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه و آله و سلم حاکم بود؛ اما خلیفها امید بسته بودند که وقتی این شخص که آورنده‌ی اسلام است و این رشته‌ای که افراد و دلها را به هم متصل کرده است، از میان مردم خارج شد، چیزی باقی نماند! با نصب ولی، با نصب حاکم و تعیین کسی که می‌توانست رشته‌ی این کار شود، جلو این پندار در عالم قانونگذاری گرفته شد. اساس قضیه هم این است که قانونی وجود داشته باشد؛ لذا فرمود: «الیوم ینس ین و ا من دینکم فلا تخشوه»؛ از امروز به بعد که ولایت، معین و تکلیف حکومت و سرپرستی و اداره و زمامداری کشور، معلوم شد، دیگر از دشمن خارجی نترسید. «واخشونی»؛ حالا از من بترسید. (11)

مفهوم حقیقی غدیر

اگر ما هم بخواهیم حقیقتاً از ین به ولایت امیرالمؤمنین باشیم، باید خودمان و محیط زندگیمان را به عدل نزدیک کنیم. بزرگین نمونه این است که هرچه بتوانیم، استقرار عدل کنیم. چون دامنه عدالت نامحدود است.

هرچه بتوانیم عدل را در جامعه بیشتر مستقر کنیم، شباهت ما به امیرالمؤمنین و تمسک ما به ولایت آن بزرگوار بیشتر خواهد شد.

امروز مردم دنیا تشنه عدالت‌اند. این پیام به گوش مردم دنیا هم می‌رسد. امروز شما در اوضاع دنیا نگاه کنید. با همه پیشرفت علم و با این همه تحقیقات علمی که دانشمندان و علما در مسائل کون و حیات انجام داده‌اند و با این همه اکتشافات و اختراعات و ترقی در علم که محیرالعقول است، در ناحیه اخلاق، افتخار قدرتهای برتر امروز دنیا به زورگویی، تجاوز، ظلم و بی‌اعتنایی به آرای انسانهاست. حتی امروز وقاحت به قدری در میان این قدرتمداران زیاد است که اعتراف هم می‌کنند و می‌گویند افکار عمومی مردم دنیا مانع حمله ما به عراق نیست، این یعنی یک حرکت صددرصد حیوانی. کسی که در عمل و حرکت خود اخلاق، عدالت، فضیلت و حقوق مردم را ظر نمی‌گیرد، حیوان است. وگرنه روح انسانی این معیارها و ارزشها را رعایت می‌کند و زندگی انسانی قائم به این ارزشهاست. عالم و آسمان و زمین قائم به عدالت است؛ «دل قامت ات رض». آن وقت عدالت را این‌طور زیر پا بگذارند! البته قدرتمندان در بلندگوها می‌گویند و فریاد می‌زنند و تَن صدای آنها فضای دنیا را پُر

می‌کند، اما حقایق عالم از بین نمی‌رود. حقیقت عالم این است که ظلم نمی‌تواند استقرار پیدا کند و پایدار بماند و پایدار نخواهد ماند. ملتها، انسانها، اراده‌ها، خواستها و قدرت معنویت و فضیلت کار خود را خواهد کرد. امیدواریم خداوند متعال روزی را به بشر زمان ما نشان بدهد که رشحه‌ای از عدالت علوی و معنا و مفهوم حقیقی غدیر در دنیای اسلام و در همه بشریت پرتوافکن باشد و مردم را بهره‌مند کند. (12)

پیوند، ارتباط و اتصال، معنای ولایت

دو مطلب در غدیر هست: یکی تعیین امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام است و دیگری آن معیارهایی است که نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در بیان علت و فلسفه تعیین امیرالمؤمنین در خطبه‌ی غدیر بیان می‌فرماید. این حرکت بزرگ و تاریخ‌ساز، یعنی نصب امیرالمؤمنین علیه‌السلام متکی به ملاک‌هایی است و این کار، مفهومی دارد. چه ولایت یک امر سیاسی است، اما هم‌مضمون ولایت در سیاست خلاصه نمی‌شود. این ولایت، پرتوی از ولایت ذات مقدس پروردگار است. این ولایت، ناشی از حضور ولایت الهی در وجود امیرالمؤمنین است، همچنان‌که در وجود پیامبر مکرم اسلام بود. این ولایت، فرعی از آن اصل و میوه‌ای از آن ریشه است. لذا از آن به «ولایت» تعبیر شده است. ولایت در حقیقت به معنای پیوند، ارتباط و اتصال است. آن کسی که منصوب به این مقام است، برخلاف حکام و فرمانروایان عالم، فقط یک فرمانروا یا یک سلطان و یک حاکم نیست بلکه یک ولی است، به مردم نزدیک است، به آنها پیوسته است و مورد اتکای دل و جان مردم است.

این معنا در امیرالمؤمنین و در ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام وجود دارد. بعد از دوران حضور ائمه هم اگر پرتوهای ضعیفی از این حقیقت در جایی پیدا شود، ولایت در آن‌جا شکل می‌گیرد. حقیقت و معنای واقعی امر این است. لذا نبی‌اکرم در بیان صفات امیرالمؤمنین می‌فرماید: «کم فی الرعیة»، او عادلین شما در بین مردم است. هم عدالت درونی و معنوی و فردی امیرالمؤمنین مراد است و هم عدالت رفتاری و عدالت اجتماعی او. اینها چیزهایی است که در زبان به آسانی می‌شود بیان کرد، اما در تحقق و تبلور در عمل است که انسان به عظمت این حقیقت و کسانی که تجسم این حقیقت بوده‌اند، پی می‌برد. عدالت به معنای واقعی کلمه در وجود امیرالمؤمنین، در رفتار او، در تقوای او و در توجه او حضور دارد. در رفتار بیرونی او هم عدالت تجسم پیدا می‌کند. امروز بعد از گذشت قرن‌ها، اگر بخواهیم عدالت را تعریف کنیم و آن را در ضمن مثال و نمونه بیان کنیم، هیچ مثالی رساتر و گویاتر از رفتار امیرالمؤمنین علیه‌السلام نمی‌توانیم پیدا کنیم. این است که نبی‌اکرم او را به امر پروردگار و با نصب الهی به مردم معرفی و به مقام ولایت منصوب می‌کند. این یک حقیقت اسلامی است. این کجا و این‌که کسی معتقد باشد که هر ظالمی با هر شیوه و رفتار بازیگرانه‌ای توانست زمام قدرت را در دست بگیرد، مردم باید از او اطاعت کنند، کجا؟! این اسلام است یا آن؟! (13)

قضیه‌ی غدیر، یک قضیه‌ی مسلم است

در مورد اصل واقعه‌ی غدیر، خوب است همه‌ی افرادی که به مسائل تاریخ اسلام علاقه‌ند، بدانند که قضیه‌ی غدیر، یک قضیه‌ی مسلم است. مشکوک نیست؛ فقط شیعیان نیستند که آن را نقل کرده‌اند؛ بلکه محدثان سنی - چه در دوره‌های گذشته و چه در دوره‌های میانی و بعدی - این ماجرا را نقل کرده‌اند؛ یعنی همین ماجرای که در سفر اع پیامبر اکرم در غدیر خم اتفاق افتاد. از کاروان بزرگ مسلمانان که در این سفر با پیامبر حج گزارده بودند، بعضی جلو رفته بودند. پیامبر بیکه‌هایی را فرستاد تا آنها را به عقب برگردانند و ایستاد تا آنها‌یی که عقب مانده‌اند، برسند. اجتماع عظیمی در آن‌جا تشکیل شد. بعضی گفته‌اند نود هزار، بعضی گفته‌اند صد هزار و بعضی هم گفته‌اند صدوبیست هزار نفر در آن اجتماع حضور داشتند. در آن هوای گرم، مردم ساکن جزیره‌العرب - که بسیاری از آنها هم اهل بیابانها و روستاها بودند و به گرما عادت داشتند - طاقت نمی‌آوردند روی زمین داغ بایستند. لذا عباهایشان را زیر پاهایشان می‌گذاشتند تا طاقت بیاورند و بایستند. این نکته در روایت مربوط به اهل سنت هم آمده است. در چنین شرایطی، پیامبر اکرم از جای برخاست، امیرالمؤمنین علیه‌السلام را از زمین بلند کرد و جلو چشم خلایق نگه داشت و فرمود: «من كنت مولاة فهذا علی مولاة، اللهم وال من اه و عاد من عاداه». البته این جملات، قبل و بعد هم دارد؛ اما مهمترین قسمتش این است که پیامبر در این‌جا مسأله‌ی ولایت - یعنی حاکمیت اسلامی - را به طور رسمی و صریح مطرح می‌کند و امیرالمؤمنین را به عنوان شخص، معین و مطرح می‌نماید. این را همان‌طور که لابد شنیده‌اید و من هم عرض کردم، برادران اهل سنت ما در کتابهای معتبر - نه یکی، نه تا؛ در دهها کتاب معتبر - نقل کرده‌اند. مرحوم علامه‌ی امینی اینها را جمع کرده است، و غیر از ایشان هم کتابهای زیادی در این خصوص نوشته‌اند. بنابراین، این روز، اولاً روز ولایت است؛ ثانیاً روز ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام است.

.... در غدیر، مسأله‌ی ولایت، به عنوان یک امر رسمی از سوی پیامبر مطرح شد و امیرالمؤمنین علیه‌السلام به عنوان مصداق آن تعیین گردید؛ که البته تفصیلات زیادی دارد و شما آن را می‌دانید. و اگر کسانی هم از تفصیلات آن اطلاعی ندارند - بخصوص جوانان - بهتر این است که در نوشته‌ها و کتابهای استدلالی و علمی آن را دنبال کنند. کتابهایی هم در این زمینه نوشته شده و مفید است. (14)

اگر ملتها، قطع نظر از مذاهب و ادیانی که بر آنها حاکم است، بخواهند راه سعادت را پیدا کنند، باید به ولایت اسلامی برگردند.

البته این ولایت اسلامی به شکل کامل، در یک جامعه‌ی اسلامی عملی است؛ چون ولایت بر اساس ارزشهای اسلامی - یعنی عدالت اسلامی، علم اسلامی و دین اسلامی - است؛ اما به شکل غیر کامل، در همه‌ی ملتها و در میان همه‌ی جوامع عملی است. اگر می‌خواهند کسی را به عنوان رهبر و حاکم بر جامعه انتخاب کنند، سراغ آن کسی که سرمایه‌داران معرفی می‌کنند، نروند؛ سراغ پارساترین و پاکترین و بی‌اعتناترین انسانها به دنیا بروند؛ آن کسی که قدرت را سرمایه‌ی شخصی خود به حساب نمی‌آورد و از آن برای سود شخصی‌خوبیش استفاده نمی‌کند.

این، رشحه‌ی از رشحات ولایت در اسلام است و دمکراسیهای جاری عالم از آن بی‌ند. این، از برکات اسلام است. لذا از اول انقلاب هم همین عنوان ولایت و ولایت فقیه - که دو مفهوم است؛ یکی خود مفهوم ولایت، یکی این که این ولایت متعلق به فقیه و دین شناس و عالم دین است - از طرف کسانی که در حقیقت تحمل این بافت ارزشی کامل را نمی‌توانستند و نمی‌توانند بکنند، مورد تعرض شدید قرار گرفت. امروز هم همین‌طور است. خوشبختانه مردم این راه را شناخته‌اند. این، از برکات غدیر و اسلام و زندگی امیرالمؤمنین و نیز حکومت کوتاه آن بزرگوار است. (15)

درس فراموش نشدنی غدیر

..... با مطرح کردن امیرالمؤمنین علیه‌السلام و با نصب آن ای حکومت، معیارها و ارزشهای حاکمیت، معلوم شد. پیغمبر، در قضیه غدیر، کسی را در مقابل چشم مسلمانان و دیدگان تاریخ قرار دادند که از ارزشهای اسلامی، به طور کامل برخوردار بودند. یک انسان مؤمن؛ دارای اعلای تقوا و پرهیزکاری؛ فداکار در راه دین؛ بی‌رغبت نسبت به مطامع دنیوی؛ تجربه شده و امتحان داده در همه میدانهای اسلامی؛ میدانهای خطر؛ میدانهای علم و دانش؛ میدان قضاوت و امثال اینها. یعنی با مطرح شدن امیرالمؤمنین علیه‌السلام به عنوان حاکم و امام و ولی اسلامی، همه مسلمانان در طول تاریخ ند که حاکم اسلامی، باید فردی در این جهت، با این قواره‌ها و نزدیک به این الگو و نمونه باشد. پس، در جوامع اسلامی، انسانهایی که از آن ارزشها نصیبی ندارند؛ از فهم اسلامی، از عمل اسلامی، از جهاد اسلامی، از قو گذشت، از تواضع و فروتنی در مقابل بندگان خدا و آن خصوصیتی که امیرالمؤمنین علیه‌السلام و السلام داشتند، بهره‌ای نداشته باشند، شایسته حکومت کردن نیستند. پیغمبر، این معیار را در اختیار مسلمانان گذاشتند. و این، یک درس فراموش نشدنی است. (16)

مسئولیت مسولان کشور در قبال غدیر

امروز ما - هم مسؤولانمان، هم مردمان - در قبال مسأله‌ی غدیر مسؤولیم. ان کشور باید سعی کنند اعمال و رفتار و حرکات و سکنات و برنامه‌ریزیهایشان را به گونه‌ای تنظیم کنند که با هدفهای اسلام - که همان هدفهای غدیر است - تطبیق کند. اگر چه همه‌ی دنیا، بخصوص کمپانیهای صهیونیستی و قدرتمندان و زرسالاران عالم، ناراحت شوند و هجمه‌ی تبلیغاتی کنند، باکی نیست. امروز پایه‌ی انقلاب مستحکم است و این توفانها نمی‌تواند این بنای شامخ را متزلزل کند. از چه چیزی می‌ترسند؟ ملاحظه‌ی چه چیزی را می‌کنند؟ بعضی کسان در برنامه‌ریزیهایشان، در اجرایشان، در تصمیم‌گیریهایشان، در حرف‌زدنهایشان و در موضعگیریهایشان، دائماً مواظبند که نکند فلان رادیوی گوشه‌ی دنیا - که به فلان دستگاه جاسوسی وابسته است - علیه این صحبت یا علیه این شخص حرفی بزند! خوب؛ بزند.

امروز پیام اسلام، پیام جذابی است. پیام ما، پیام عدالت است؛ پیام ما، پیام نجات انسانها و نجات جوانهاست. وقتی ما اسم جوان را می‌آوریم، فقط به جوانهای جامعه‌ی خودمان نگاه نمی‌کنیم. امروز نسل جوان در دنیا غرق در بدبختی و نابسامانی است. رنجها، فشارهای روحی و عصبی و ابهام آینده، امروز نسلهای جوان را در سرتاسر دنیا بر اثر دوری از معنویت، زیر فشار قرار می‌دهد.

ان، به نام اسلام، برای اسلام، با پیام اسلام، شجاعانه، قدرتمندانه و بدون ملاحظه‌ی این و آن، هم موضعگیری کنند، هم حرف بزنند و هم عمل کنند. مردم عزیزمان و بخصوص جوانها هم به برکت غدیر، بدانند این راهی که اسلام و قرآن و خط غدیر ترسیم کرده، یک راه روشن است؛ راهی است که با استدلال و فلسفه‌ی مستحکمی ترسیم شده و روندگان بسیار بزرگ و عظیم‌المنزلی پیدا کرده است. امروز هم خوشبختانه این راه در دنیا مطرح است و دیگر ما در تنهایی و عزلت نیستیم. امروز ما در مرکز و محور توجه مردم جهان - بخصوص کشورهای اسلامی - هستیم. راه، راه خوش‌عاقبت و روشنی است؛ با تلاش ان و با امید و پشتیبانی قشرهای مختلف مردم بایستی قدم به قدم این راه را طی کنیم و پیش برویم. این راه گرچه کوتاه‌مدت نیست، اما

همان راهی است که بالاخره به نجات بشریت منتهی خواهد شد. همان راهی است که آنه زمینه‌های ظهور مهدی موعود صلوات‌الله‌علیه‌السلام‌فرجه را فراهم خواهد کرد.(17)

ولایت، شاخصی نظام اجتماعی و سیاسی برای اسلام

روز عید غدیر «عید ولایت» نامیده می‌شود. نامگذاری درستی است؛ روزی است که مفهوم ولایت اسلامی به وسیله پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم یک مصداق روشن و عینی پیدا کرد.

برای کسانی که می‌خواهند از الگوی انسان طراز اسلام، نمونه‌ای ذکر کنند، بهترین نمونه همان کسی است که آن روز نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌و آله و سلم، او را به الهام الهی و به دستور پروردگار عالم، برای منصب عظیم ولایت، معین فرمود. معنای ولایت و مفهوم عظیمی که در روز عید غدیر، مصداق مشخصی پیدا کرد، یکی از نکات اساسی است که برای جامعه‌ی اسلامی ما و صاحبان فکر، نقطه‌ی حساسی است و جا دارد روی آن تأمل کنند.

وقتی که در نظامی، ولی‌الله - کسی مثل پیغمبر اکرم یا امیرالمؤمنین - در رأس نظام قرار دارد، آن جامعه، جامعه‌ی ولایت است؛ نظام، نظام ولایت است. ولایت، هم صفتی است برای منصبی که نبی اکرم و جانشینان او از سوی پروردگار، حائز آن بوده‌اند، هم خصوصیتی است برای آن جامعه‌ی اسلامی که در سایه‌ی آن حکومت، زندگی می‌کند و از پرتو آن بهره می‌گیرد. من این نکته را بارها عرض کرده‌ام، امروز هم می‌خواهم بر روی همان نکته تکیه کنم؛ برای این‌که مسائل زندگی، مسائل سرنوشت‌ساز و وظیفه‌ی مهم ملت اسلام، وابسته به همین نکات اساسی و زیربنایی است.

آن نکته این است که ولایت که عنوان حکومت در اسلام و شاخصی نظام اجتماعی و سیاسی برای اسلام است، یک معنای دقیق و ظریفی دارد که معنای اصلی ولایت هم همان است و آن عبارت است از پیوستگی، پیوند، درهم‌پیچیدن و در هم تنیدگی. این، معنای ولایت است. چیزی که مفهوم وحدت، دست به دست هم دادن، با هم بودن، با هم حرکت کردن، اتحاد در هدف، اتحاد در راه و وحدت در همه‌ی شؤون سیاسی و اجتماعی را برای انسان، تداعی می‌کند. ولایت، یعنی پیوند. «این آمنوا و لم یهاجروا مالکم من هم من شیء حتی یهاجروا» یعنی این. پیوند افراد جامعه‌ی اسلامی، با هجرت حاصل می‌شود؛ نه فقط با ایمان. ایمان کافی نیست.

پیوند ولایت که یک پدیده‌ی سیاسی، یک پدیده‌ی اجتماعی و یک حادثه‌ی تعیین کننده برای زندگی است، با تلاش، با حرکت، با هجرت، با در کنار هم بودن و با هم کارکردن حاصل می‌شود؛ لذاست که در نظام اسلامی، «ولی» از مردم جدا نیست. ولایت که معنایش پیوند و پیوستگی و با هم بودن است، یک جا هم به معنای محبت می‌آید، یک جا هم به معنای پشتیبانی می‌آید که همه‌ی اینها در واقع مصادیق به هم پیوستگی، وحدت و اتحاد است، والا معنای حقیقی، همان اتحاد و یگانگی و با هم بودن و برای هم بودن است. معنای ولایت، این است.

اگر با این دید به جامعه‌ی اسلامی نگاه کنید، ابعاد این وحدت اجتماعی و وحدت سیاسی و وحدت معنوی و روحی و وحدت عملی، ابعاد عجیبی می‌یابد که بسیاری از معارف اسلامی را برای ما معنی می‌کند. به سمت مرکز عالم وجود حرکت کردن انسان، در جهت ولایت الله حرکت کردن است. همه‌ی ذرات عالم، خواه و ناخواه در چنبر ولایت الهی، در دایره‌ی ولایت الله قرار دارند و انسانهای آگاه، مختار، تصمیم گیرنده و دارای حُسن انتخاب، عملاً هم ولایت الهی را برمی‌گزینند و در آن راه حرکت می‌کنند؛ محبت الهی را کسب می‌کنند و خود از محبت پروردگار، پر می‌شوند.(18)

غدیر، عید ولایت و سیاست و دخالت مردم در حکومت

امام راحل بزرگوار ما، بزرگترین حق را از این ناحیه به گردن امت اسلامی دارد که آحاد مردم را به مسؤولیت خودشان که دخالت در امر حکومت است، متنبه و واقف کرد. از این روست که در نظام اسلامی، هر کس متدین به عقیده و شریعت اسلامی باشد، در امر حکومت دارای مسؤولیت است. هیچ کس نمی‌تواند خود را از موضوع حکومت کنار بکشد. هیچ کس نمی‌تواند بگوید: «کاری انجام می‌گیرد؛ به من چه!؟» در موضوع حکومت و مسائل سیاسی و مسائل عمومی جامعه در نظام اسلامی، «به من چه» نداریم! مردم برکنار نیستند. بزرگترین مظهر دخالت مردم در امور حکومت، غدیر است. خود غدیر این را به ما آموخت و لذاست که عید غدیر، عید ولایت است، عید سیاست است، عید دخالت مردم در امر حکومت است، عید آحاد ملت و امت اسلامی است. این عید، مخصوص شیعه هم نیست. جا دارد و حق آن است که همه امت اسلامی، این روز را برای خودشان عید بدانند. غدیر، عید امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام هم هست و شیعیان آن حضرت، به طور ویژه از این عید استفاده می‌کنند.(19)

چه ارتباط قلبی ما شیعیان با واقعه‌ی غدیر، ارتباط مستحکم و برجسته‌ای در دنیای اسلام است، ولی حقیقت این است که مسأله‌ی غدیر در محتوا و روح حقیقی خود فقط متعلق به شیعیان نیست بلکه به همه‌ی دنیای اسلام تعلق دارد. چون حادثه‌ی غدیر برخاسته از روح و مضمون حقیقی اسلام است. این‌که خدای متعال به پیغمبر اکرم - با آن همه مجاهدتها - حدود هفتاد روز قبل از وفاتش بفرماید که «یا ایها ول لغ ما انزل یک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالت»، آنچه را که به تو دستور دادیم، به مردم برسان و اگر نرسانی، رسالت خود را انجام ندهای، نشاندهنده‌ی این است که روح و مضمون حقیقی اسلام در واقعه‌ی غدیر وجود دارد. (20)

غدیر مخصوص شیعه نیست

به حادثه‌ی تاریخی و عظیم غدیر که ما امروز آن را عید گرفته‌ایم، نباید فقط به چشم یک خاطره‌ی فرقه‌ای نگاه کرد. غدیر در حقیقت معنای خود، مخصوص شیعه نیست. چه شیعیان به میمنت نصب مولای متقیان به مقام امامت و ولایت، در این روز عید می‌گیرند و شکرگزاری می‌کنند؛ اما در حقیقت، روز غدیر امتداد خط همه‌ی رسالت‌های الهی و اوج این خط روشن و نورانی در طول تاریخ است. اگر به مضمون رسالت‌های الهی نگاه کنیم، می‌بینیم که در طول تاریخ نبوتها و رسالتها، این خط روشن دست به دست گشته، تا به نبی مکرم خاتم رسیده و در پایان حیات آن بزرگوار، تجسم و تبلور آن به شکل حادثه‌ی غدیر خود را نشان داده است. (21)

غدیر مسأله‌ی ای اسلامی

غدیر یک مسأله‌ی اسلامی است؛ یک مسأله‌ی فقط شیعی نیست. در تاریخ اسلام، پیامبر اکرم یک روز سخنی بر زبان رانده و عملی انجام داده است که این سخن و این عمل، از ابعاد گوناگون دارای درس و معناست. نمی‌شود ما بگوییم که از غدیر و حدیث آن، فقط شیعه استفاده کند؛ اما بقیه‌ی مسلمانان از محتوای بسیار غنی‌ای که در این کلام شریف نبوی وجود دارد و مخصوص یک دوره هم نیست، بهره‌نبرند. البته چون در قضیه‌ی غدیر، نصب امیرالمؤمنین علیه‌ام به امامت و ولایت وجود دارد، شیعه دلبستگی بیشتری به این روز و این حدیث دارد؛ ولی مضمون حدیث غدیر، فقط مسأله‌ی نصب آن حضرت به خلافت نیست؛ مضامین دیگری هم دارد که همه‌ی مسلمانان می‌توانند از آن بهره‌نبرند. (22)

منابع و مأخذ:

- 1) رهبر معظم انقلاب اسلامی، حدیث ولایت، ج7، ص 12 11.
- 2) بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت عید سعید غدیر خم، 80/12/12.
- 3) رهبر معظم انقلاب اسلامی، حدیث ولایت، ج6، صفحه‌های 197 تا 201.
- 4) برگزیده بیانات مقام معظم رهبری در عید سعید غدیر 85/10/18.
- 5) فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق(علیه‌السلام) 1384/10/29
- 6) فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار ان و کارگزاران نظام به مناسبت عید غدیر خم 1381/12/1
- 7) فرازی از بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا (ع) در مشهد مقدس 1379/10/6
- 8) فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مردم پاکدشت، در سالروز عید سعید غدیر 1383/11/10
- 9) فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع بزرگ زائران حضرت علی‌بن‌موسی‌ضا(ع) در روز عید سعید غدیر خم 1380/12/12
- 10) فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب در سالروز عید سعید غدیر خم 79/12/24

- 11) فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت عید سعید غدیر 1378/01/16
- 12) فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار ان و کارگزاران نظام به مناسبت عید غدیر خُم 1381/12/1
- 13) فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار ان و کارگزاران نظام به مناسبت عید غدیر خُم 1381/12/01
- 14) فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا (ع) در مشهد مقدس 1379/01/06
- 15) فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با ان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر 1370/10/4
- 16) فرازی از بیانات رهبر معظم در دیدار با ان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر 1370/10/4
- 17) فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب در سالروز عید سعید غدیر خُم 1379/12/24
- 18) فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با ان و کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید غدیر 1377/01/27
- 19) فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت «عید غدیر» 1375/2/18
- 20) فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار ان و کارگزاران نظام به مناسبت عید غدیر خُم 1381/12/01
- 21) فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع بزرگ زائران حضرت علی بن موسی رضا (علیه السلام) در روز عید سعید غدیر خُم 1380/12/12
- 22) فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا (علیه السلام) در مشهد مقدس

سید ین کامرانی راد